گزارش یک

مهسا گربندی

خوب و بد مدرسه‌ای شدن پنج‌ساله‌ها

دبیر کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس: هدف اصلی طرح کاهش سن تحصیلی، آماده‌سازی بهتر کودکان برای تحصیل رسمی و دولتی کردن آموزش پیش‌دبستانی است تا همه کودکان به‌صورت رایگان از این فرصت بهره‌مند شوند

سال تحصیلی جدید آغاز شده و کودکان پنج ساله، آماده ورود به پیش‌دبستانی‌اند، اما بسیاری از آنها به دلایل مالی یا به این خاطر که پیش‌دبستانی هنوز اجباری نیست، فرصت ثبت‌نام در این مرحله مهم را پیدا نکرده‌اند. این فاصله در دسترسی به آموزش پیش‌دبستانی، شکاف یادگیری میان دانش‌آموزان را عمیق‌تر می‌کند و بر کیفیت تحصیل در سال‌های بعد تأثیر می‌گذارد. حالا نظام آموزشی کشور در آستانه یک تغییر بنیادین است، تصمیمی که سن ورود به مدرسه را به پنج سالگی کاهش داده و دوره پیش‌دبستانی را اجباری می‌کند. این تحول نه‌تنها ساختار تحصیلی را دگرگون می‌کند، بلکه با فراهم کردن فرصت برابر برای همه کودکان، امید به عدالت آموزشی را زنده می‌کند. اجرای موفق این طرح، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، تأمین زیرساخت‌ها و آموزش نیروی متخصص است، اما اگر به درستی پیش برود، آینده‌ای روشن‌تر و نسلی توانمندتر را برای کشور رقم خواهد زد.

بر اساس مصوبه جدید کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس شورای اسلامی، دوره پیش‌دبستانی برای کودکان پنج ساله به صورت اجباری برگزار می‌شود. این تغییر که بخشی از طرح جامع «تقویت نظام آموزش و پرورش» است، گامی مهم در جهت تحول بنیادین نظام آموزشی کشور تلقی می‌شود.

آغاز اجباری پیش‌دبستانی از ۵ سالگی

احسان عظیمی‌راد، سخنگوی کمیسیون آموزش در توضیح روند تصویب طرح کاهش سن تحصیلی در جلسه کمیسیون گفت: «در جلسه اخیر، بررسی مواد ۱۱ تا ۱۵ طرح تقویت نظام آموزش و پرورش در دستور کار قرار گرفت. دو ماده (۱۳ و ۱۵) حذف شدند و اصلاحاتی در سایر مواد ایجاد شد تا با شرایط فعلی نظام آموزشی سازگارتر باشد.»

او افزود که مهم‌ترین تغییر در این جلسه، تصویب ماده ۱۱ بود که سن ورود به آموزش رسمی را از شش به پنج سال کاهش می‌دهد و پیش‌دبستانی اجباری برای کودکان پنج ساله را به رسمیت می‌شناسد: «نظام آموزشی فعلی کشور که به صورت ۳-۳-۶ اجرا می‌شود، به تدریج به ساختار ۳-۳-۵-۱ تغییر خواهد یافت. این یعنی کودکان از پنج سالگی وارد دوره پیش‌دبستانی می‌شوند، سپس سه سال دوره ابتدایی (پایه اول تا پنجم)، سه سال دوره متوسطه اول، چهار سال متوسطه دوم و در نهایت یک سال دوره پیش‌دانشگاهی را خواهند گذراند.»

این تغییر ساختاری، با هدف ایجاد فرصت‌های یادگیری زودهنگام‌تر و آماده‌سازی بهتر کودکان برای تحصیل رسمی انجام می‌شود. البته سخنگوی کمیسیون تأکید کرد که مجموع سال‌های تحصیل یعنی ۱۲ سال همچنان حفظ خواهد شد و فقط ترتیب و سن شروع آن تغییر می‌کند. از جمله نکات مهم این مصوبه، پیش‌بینی ظرفیت قانونی برای ایجاد «دوره پیش یک» است که در صورت ضرورت توسط سازمان تعلیم و تربیت اجرا می‌شود، اقدامی که به آموزش و پرورش امکان می‌دهد بر اساس نیازهای خاص مناطق مختلف، انعطاف بیشتری در سیستم آموزشی داشته باشد.

عظیمی‌راد همچنین درباره تغییرات دیگر این طرح گفت: «یکی از بخش‌های مهم این طرح، اختیار تنظیم تقویم آموزشی بر اساس اقلیم جغرافیایی هر استان و شهرستان است. این اجازه به شوراهای آموزش و پرورش داده می‌شود که زمان‌بندی حضور دانش‌آموزان در مدارس را با توجه به شرایط آب‌وهوایی، جغرافیایی و اجتماعی منطقه تنظیم کنند. این اقدام باعث چابک‌سازی و افزایش انعطاف نظام آموزشی می‌شود.»

فرصتی برای کاهش بار مالی خانواده‌ها

همچنین رمضان رحیمی دشتلوئی، نماینده مردم فلاورجان و دبیر کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی در واکنش به تصویب طرح آغاز تحصیل از سن پنج سالگی، توضیح داد که این مصوبه تغییرات مهمی در فرایند ثبت‌نام و ورود کودکان به مدرسه ایجاد خواهد کرد: «بر اساس طرحی که در کمیسیون آموزش به تصویب رسید و در انتظار بررسی نهایی در صحن علنی مجلس و تأیید شورای نگهبان است، سن شروع رسمی تحصیل به پنج سال کاهش می‌یابد و ثبت‌نام کودکان در مدارس از این سن الزامی خواهد بود.»

رحیمی دشتلوئی با تأکید بر اینکه محتوای آموزشی در این سن عمدتاً شامل برنامه‌های پیش‌دبستانی خواهد بود، افزود: «هدف اصلی این اقدام، فراهم کردن آمادگی تحصیلی مناسب برای دانش‌آموزان است تا پایه محکمی برای تحصیلات آینده‌شان شکل بگیرد.»

یکی از محورهای مهم این طرح که نماینده فلاورجان بر آن تأکید دارد، دولتی‌سازی آموزش پیش‌دبستانی است. او توضیح داد: «این طرح می‌خواهد پوشش آموزش پیش‌دبستانی را در سراسر کشور به سطح صددرصد برساند و با ارائه آموزش رایگان، بار مالی خانواده‌ها را کاهش دهد.» به گفته او، در حال حاضر پوشش پیش‌دبستانی در کشور محدود است و تقریباً نیمی از کودکان به دلیل مشکلات اقتصادی خانواده‌ها یا غیررسمی بودن ثبت‌نام‌ها از این آموزش محروم می‌مانند. این موضوع سبب شده کودکان زیادی بدون آمادگی لازم وارد پایه اول ابتدایی شوند. رحیمی دشتلوئی در پایان تأکید کرد: «با اجرای این طرح، ثبت‌نام رسمی کودکان پنج‌ساله در مدارس اجباری خواهد شد و وزارت آموزش و پرورش موظف است این کودکان را به صورت رایگان پذیرش و آموزش دهد. این الزام باعث می‌شود اولیا نیز پیگیری‌های لازم را برای حضور فرزندان خود در دوره پیش‌دبستانی انجام دهند.»

سرمایه‌گذاری روی آینده

این تغییر بزرگ در نظام آموزشی، فقط یک تغییر عددی در سن ورود به مدرسه نیست، بلکه فرصتی است برای سرمایه‌گذاری روی آینده کودکان ما. وقتی کودکان پنج‌ساله به صورت رسمی وارد دوره پیش‌دبستانی می‌شوند، زمینه آماده‌سازی بهتر برای تحصیل رسمی فراهم می‌شود و شانس رشد و یادگیری آنها در سال‌های آینده افزایش پیدا می‌کند. این یعنی نسلی که امروز در کلاس‌های پیش‌دبستانی حاضر می‌شوند، فردا می‌توانند با دانش و مهارت‌های بیشتر، نقش پررنگ‌تری در جامعه و کشور ایفا کنند. اما رسیدن به این هدف بزرگ، نیازمند تلاش مشترک خانواده‌ها، معلمان و مسئولان است. باید زیرساخت‌های آموزشی به خوبی فراهم شود، معلمان آموزش دیده و تجهیزات لازم در اختیار مدارس قرار گیرد تا همه کودکان، صرف نظر از محل زندگی و شرایط اقتصادی، بتوانند از این فرصت بهره‌مند شوند. اگر این حمایت‌ها به درستی انجام شود، تغییر سن شروع تحصیل نه‌تنها به یک عدد تبدیل نمی‌شود، بلکه فرصتی واقعی برای برابری در دسترسی به آموزش و شکوفایی استعدادهای همه کودکان کشور خواهد بود.

به این ترتیب، می‌توان امیدوار بود که آینده آموزش در ایران، از همین حالا و با گام‌هایی که حالا برداشته می‌شود، روشن‌تر و امیدوارکننده‌تر خواهد شد. اکنون اما، سؤال مهم این است که آیا ما به عنوان جامعه و مسئولان آماده‌ایم این فرصت را به کودکان‌مان بدهیم و مسیر رشد آنها را هموار کنیم یا نه؟

کار کارشناسی شده؟

الزامی کردن آموزش از پنج سال در کنار همه مزایایی که ممکن است داشته‌باشد، معایبی هم دارد. در احادیث شیعی، کودک تا هفت سالگی باید با آزادی کامل به بازی بپردازد. آموزش رسمی ممکن است این آزادی بازی‌محور را از کودک سلب و تکالیفی را بر او تحمیل کند.

علاوه بر این، آموزش اکنون در جامعه ایرانی طبقاتی شده‌است. مدارس بهتر در اختیار پولدارهاست. اجباری کردن آموزش از پنج سالگی ممکن است طبقاتی شدن آموزش را به سنین پایین‌تر هم بکشاند. همه این مسائل و مواردی از این دست، باید در کمیته‌های کارشناسی بررسی و جوانب آن سنجیده شود.

گزارش ۲

کبری فرشچی

سلامت جامعه ایرانی، جای سیاسی‌بازی نیست!

دست‌های پشت پرده‌ای به دنبال مهندسی انتخابات نظام پزشکی است

حضور یک پزشک در رأس قدرت اجرایی کشورمان نشان می‌دهد پزشکان فراتر از جایگاه رسمی و صنفی خود قدرت دارند و می‌توانند در جریانات سیاسی کشور آنچنان تأثیرگذار باشند که به ریاست جمهوری برسند. اما برخی جایگاه‌ها و پست‌ها مسیر ورود به دنیای سیاست را تسریع و تسهیل می‌کنند و قدرتی فراتر از جایگاه ظاهری دارند. یکی از این جایگاه‌ها ریاست سازمان نظام پزشکی کشور است که می‌تواند محملی برای سیاسی‌بازی‌ها و سیاسی‌کاری‌ها شود؛ موضوعی که اگر در سال‌های گذشته کمتر شاهد آن بوده‌ایم، اما این‌بار به نظر می‌رسد دست‌های پشت‌پرده‌ای به دنبال مهندسی انتخابات نظام پزشکی است.

نظام پزشکی بزرگ‌ترین نهاد صنفی پزشکان و اصلی‌ترین واسطه‌میان حاکمیت، بدنه درمانی کشور و مردم به شمار می‌رود. نظام پزشکی در کنار فعالیت‌های صنفی‌اش خیلی بیشتر از یک نهاد صنفی قدرت دارد و تأثیرگذار است. به همین‌خاطر هم رقابت سختی میان پزشکان داوطلب نشستن بر صندلی این سازمان در جریان است. این رقابت از خرداد ماه سال جاری با ثبت نام بیش از ۶هزارو ۶۰۰ نفر از پزشکان، دندانپزشکان، داروسازان، ماماها و گروه‌های وابسته آغاز شده و همچنان ادامه دارد، به خصوص اینکه برخی چهره‌های خاص و پرحاشیه هم داوطلب شرکت در این انتخابات هستند و دست‌های پشت‌پرده‌ای به دنبال مهندسی این انتخابات و روی کار آوردن چهره‌هایی خاص همچون علی تاجرنیا هستند. نام تاجرنیا اما با مجلس ششم گره خورده‌است.

از نمایندگی تا مدیری ورزشی

مجلس ششم و حاشیه‌هایش تا همیشه در ذهن مردم کشورمان باقی مانده‌است. سیاسی‌کاری، حاشیه‌سازی، چشم‌پوشی بر مفاسد نفتی بزرگ و آلت دست برخی مدیران دولتی‌شدن از جمله حاشیه‌هایی است که در مجلس ششم اتفاق افتاد.

مجلس ششمی‌ها می‌خواستند برنامه هسته‌ای را به خواست دشمن تعطیل کنند که سرانجام به برجام ختم شد و امروز نتیجه رسوایی آن را بر سر سفره مردم می‌بینیم. درباره قانون مطبوعات و انتخابات هم دنبال این بودند که برای عناصر نفوذی و مفسدان اقتصادی و سیاسی در نشریات و سیاست حاشیه امن درست کنند و فرار بعدی و پناهندگی برخی نمایندگان و مدیران دوره اصلاحات را شاهد بودیم. مجلسی که برخی از جنجالی‌ترین چهره‌های جریان اصلاحات را به شکلی جدی وارد عرصه سیاست کرد. چهره‌ای همچون علی تاجرنیا که به عنوان جوان‌ترین نماینده توانست به مجلس ششم راه یابد و وارد دنیای سیاست شود. بعدتر‌ها در حوزه‌های متعدد با ربط و بی‌ربط سر و کله‌اش پیدا شد و حالا به پشتوانه جریان اصلاحات به دنبال آن است تا در کنار سرپرستی مدیرعاملی و رئیس هیئت‌مدیره باشگاه استقلال و مسئولیتش در هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس بر کرسی ریاست نظام پزشکی هم تکیه بزند!

تاجرنیا متخصص پروتزهای دندانی و دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی مشهد بوده و عضو هیئت‌مدیره انجمن دندانپزشکان ایران نیز هست. همچنین از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ نماینده گروه دندانپزشکان ایران در شورایعالی سازمان نظام پزشکی نیز بوده‌است. تاجرنیا از اعضای پیشین شورای مرکزی جبهه مشارکت ایران اسلامی بود و در جریان مسائل سیاسی این حزب، حضوری پررنگ داشت. افزون‌براین، عضویت در شورای مرکزی انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران نیز از دیگر فعالیت‌های او به شمار می‌رود.

نقش آفرینی در فتنه ۸۸

تاجرنیا از یک طلبه ساده در دوران دفاع مقدس به مهره سیاسی جنجال آفرین در مجلس ششم تبدیل شد و حاشیه هایش در جایگاه‌های مختلف ادامه یافت.

در جریان فتنه سال ۱۳۸۸، تاجرنیا به عنوان یکی از اعضای کمیته صیانت از آرای ستاد میرحسین موسوی فعالیت داشت. این کمیته مسئولیت نظارت بر صحت برگزاری انتخابات و جلوگیری از تقلبات را بر عهده داشت. پس از اعلام نتایج انتخابات و بروز اعتراضات گسترده، تاجرنیا به‌دلیل فعالیت‌هایش در این کمیته و حمایت از اعتراضات، بازداشت شد. وی پس از بازداشت به اتهام‌های مختلف از جمله «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» و «تبلیغ علیه نظام» محاکمه شد و در نهایت به شش سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. البته این حکم چندان به درازا نکشید و پس از گذشت مدتی از حکم، در آذرماه ۱۳۸۹، از زندان آزاد شد.

تلاش برای بازگشت به رقابت

سرپرستی مدیر عاملی و رئیس هیئت‌مدیره باشگاه استقلال و نمایندگی هلدینگ خلیج فارس سمت‌هایی است که در نگاه اول به معنای کناره‌گیری وی از دنیای سیاست به شمار می‌رفت، اما تاجرنیا در چهاردهمین انتخابات ریاست‌جمهوری ایران رئیس ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان در استان تهران شد تا نشان بدهد در کنار فعالیت‌های اقتصادی و فعالیت به عنوان مدیری ورزشی همچنان می‌خواهد در دنیای سیاست بماند. هر چند صلاحیت وی برای حضور در انتخابات سازمان نظام پزشکی ۱۴۰۴ رد شده اما انگار همچنان تلاش‌هایی برای بازگرداندنش به عرصه رقابت برای نشستن بر صندلی نظام پزشکی وجود دارد. به خصوص اینکه ریاست تاجرنیا در ستاد انتخاباتی پزشکیان در استان تهران نشان می‌دهد ارتباط خوبی میان او و بدنه دولت برقرار است و در صورت تأیید صلاحیت بعید نیست رئیس بعدی سازمان نظام پزشکی با سرپرست مدیرعاملی باشگاه استقلال باشد!

بر اساس اطلاعیه رسمی سازمان نظام پزشکی، از میان ۶هزارو۶۳۵ ثبت‌نام کننده، تنها حدود یک درصد از افراد در مرحله اول رد صلاحیت شده‌اند؛ قابل توجه اینکه برخی از این افراد نیز در فرآیند بررسی اعتراضات، تأیید صلاحیت شده و وارد انتخابات شده‌اند.

با این حال و به‌رغم درصد بسیار ناچیز ردصلاحیت‌ها و طی فرآیندهای قانونی برای رسیدگی به اعتراضات، همچنان افراد و جریاناتی هستند که فراتر از قانون و با سوءاستفاده از روابط خاص و راه‌اندازی بازی‌های سیاسی- رسانه‌ای به دنبال دور زدن ضوابط هستند؛ موضوعی که باید خط و ربط آن را در برخی ستادهای انتخاباتی انتخابات ریاست جمهوری سال قبل جست‌وجو کرد.

در همین راستا و به موازات بررسی صلاحیت‌ها، گروه‌هایی با رویکردهای سیاسی خاص به نام پزشکان و جامعه پزشکی با جمع‌آوری امضا و صدور بیانیه‌های اعتراضی به فضاسازی درباره این انتخابات پرداخته و تلاش کرده‌اند پای وزرای بهداشت، کشور و حتی رئیس‌جمهور را به این ماجرا باز کنند.

در این شرایط، برخی شنیده‌ها از توصیه و رایزنی برخی مقامات مسئول مؤثر برای تأیید صلاحیت یک نامزد خاص با سبقه سیاسی- ورزشی حکایت می‌کند.

این در حالی است که همین جریانات در ادوار قبل‌تر، منتقد ورود نهادهای دولتی در این انتخابات صنفی شده و آن را «مداخله غیرقانونی» می‌دانستند!

البته در کنار مدیرعاملی استقلال و نمایندگی هلدینگ خلیج فارس و نامزدی برای انتخابات نظام پزشکی، زمزمه‌هایی برای حضور تاجرنیا در انتخابات شورای شهر تهران نیز به گوش می‌رسد! انگار آقای دکتر عزمش را جزم کرده به شکلی جدی‌تر از قبل در کنار فعالیت‌های اقتصادی و مدیریت ورزشی‌اش به دنیای سیاست باز گردد. مدیری که شایستگی‌های مدیریتی‌اش را می‌توان از نتایج تیم استقلال، فتنه ۸۸ و عملکرد مجلس ششم به روشنی دریافت!

قضایی

۷۰ هزار نفر مشمول عفو معیاری

سخنگوی قوه قضائیه گفت: پیش بینی می‌کنیم بین ۶۰ تا ۷۰ هزار نفر مشمول این عفو قرار بگیرند.

اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری گفت: طبق برآوردی که داریم، پیش‌بینی می‌کنیم بین ۶۰ تا ۷۰ هزار نفر مشمول این عفو قرار بگیرند تاکنون آمار دقیقی در این‌باره اعلام نشده‌است. یک بخش‌هایی از این عفو دارای مهلت‌هایی است که باید مهلت‌هایش منقضی شود، یعنی اجازه داده شده افرادی که شاکی خصوصی دارند در مهلت معینی نسبت به رضایت اقدام کنند، خب می‌توانند از این عفو برخوردار شوند. جهانگیر اضافه کرد: در سایر مواردی هم به کسانی اجازه داده که شاید هنوز این شرایط را انجام نداده‌باشند، از آنجایی که هنوز مهلت آنها منقضی نشده‌است ما باید بعد از منقضی شدن این مهلت‌ها بتوانیم آمار دقیق عفو را اعلام کنیم.

۱۰ فقره قصاص برای ام‌کلثوم اکبری

سخنگوی قوه قضائیه در رابطه با آخرین وضعیت پرونده کلثوم اکبری گفت: در خصوص این پرونده که شعبه دوم دادگاه کیفری استان مازندران تشکیل شد، این خانم به قتل عمدی چند فقره مسلمان متهم شده‌است، تشریفات قانونی به عمل آمد و در ۲۶ شهریورماه رأی صادر شد. از حیث مباشرت در قتل عمدی مرحومان به ۱۰ فقره قصاص نفس به صورت مستقل در حق اولیای‌دم که مطالبه قصاص کنند، صادر شده‌است. در خصوص قتل مرحوم محمد علی حدادی همه ورثه تقاضای دیه کردند و سایر اولیای‌دم هم اگر خواهان دیه باشند در صورت موافقت متهمه دیه در قبال گذشت از قصاص. به آنها پرداخت می‌شود.

وی افزود: در خصوص اتهام شروع به قتل آقای مسیح نعمتی نام برده به تحمل ۱۰ سال حبس با احتساب ایام محکوم شده و همچنین یکی دیگر از اولیای‌دم مرحوم میراحمد عمرانی با توجه به گذشتی که کرده مستندتاً به بند (ب) ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری قرار موقوفی تعقیب صادر شده و این آخرین وضعیت پرونده است.

جهانگیر گفت: در مورد اعتراض خانواده‌ها یا به اصطلاح تأیید حکم برای اینکه به مرحله بعدی برود، چون خود متهم هم نیز می‌تواند اعتراض کند، این فرصت را دارند که اعتراض در دیوان عالی کشور رسیدگی خواهد شد، بعد از رسیدگی در دیوان عالی کشور و قطعیت رأی اطلاع‌رسانی کامل صورت خواهد گرفت.

قاتل آرمان علی‌وردی همچنان در انتظار محکومیت نهایی

سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به سؤالی مبنی بر آخرین وضعیت رسیدگی به پرونده شهادت شهید آرمان علی‌وردی اظهار کرد: این پرونده پس از نقض رأی دیوان عالی کشور به منظور رفع نقص به دادگاه کیفری اعاده شده و دادگاه در صدد رفع نقص است و تاکنون دستوری صادر نشده‌است. منتظریم دادگاه در این خصوص اعلام نظر کند تا نتیجه را اعلام کنیم.

وی با اشاره به ماده ۲۴۲ بیان کرد: اگر بازداشت متهم ادامه پیدا کند، مقررات این ماده حسب مورد هر دو ماه یکبار باید تمدید شود و بازداشت متهم در مواردی که حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آنها تعیین شده نباید تجاوز کند. در خصوص مجازات‌های سلب حیات، چون قتل حداکثر بازداشت قانونی دوسال است و در سایر جرائم حداکثر بازداشت قانونی یک سال است. با توجه به اینکه دیوان عالی کشور حکم را نقض و به دادگاه برگردانده در حال حاضر این تصمیم را باید دادگاه اتخاذ کند و نتیجه را اعلام خواهد کرد. این پرونده شاکی خصوصی نیز دارد.

شکایت از اسرائیل در حال انجام است!

سخنگوی دستگاه قضا در پاسخ به روند رسیدگی به مطالبه رهبر انقلاب در رسیدگی به جنایات رژیم صهیونی گفت: بخش عمده‌ای از پیگیری‌ها در خصوص جمع آوری و نظارت بر روند حقوقی پیگیری جنایت‌های اخیر رژیم صهیونی و دولت امریکا در ایران بر عهده معاونت حقوقی ریاست جمهوری قرار دارد و قوه قضائیه و معاونت بین‌الملل و دادستانی کل کشور به عنوان دستگاه‌های همکار در این مسیر داده‌های خود را جمع‌آوری و در نهایت در اختیار معاونت حقوقی ریاست جمهوری قرار می‌دهند.

وی افزود: در کنار این ما به عنوان دستگاه قضایی، در بخش‌هایی به طور مستقیم مسئولیت داریم. بر اساس گزارش مستقیمی که از دادستانی کل کشور دریافت کردیم، رئیس دستگاه قضا مسئولیت پیگیری جنایات رژیم صهیونیستی به دادستانی کل کشور محول کردند. دادستانی کل کشور با همکاری مؤثر همه سازمان‌های داخل قوه قضائیه مانند معاونت بین‌الملل و ستاد حقوق بشر و مرکز وکلا و کارشناسان رسمی قوه قضائیه و سایر دستگاه‌های دیگر اقدامات خوبی را در دستور کار قرار داده و مکاتبات فراوانی با مقامات داخلی و بین‌المللی صورت گرفته و پیگیری‌هایی را از طریق شورای عالی امنیت ملی وزارت خارجه، سازمان انرژی اتمی و سایر نهادهای بین‌المللی مثل دبیر کل سازمان ملل متحد، کمیسر عالی حقوق بشر، دادستان‌های عضو سازمان همکاری‌های شانگهای داشتیم و از طریق دادستانی نسبت به ایفای تعهدات و جمع آوری مستندات و ارائه آنها به دستگاه‌های ذیربط داخلی و بین‌المللی اقداماتی صورت گرفته‌است.

داستان زندگی

صادق پارسا

استاد سوئدی، صندوق پستی و خلاقیت گمشده*

وقتی از «خلاقیت گمشده» سخن می‌گویم، منظورم نفی ذاتی بودن خلاقیت نیست. سخن از چیزی است که در وجود ما هست، اما ما آن را در میان توانایی‌های فردی و اجتماعی خود نشناخته‌ایم. چیزی شبیه گنجی که وجود دارد، اما از دیده پنهان مانده‌است. حالا باید آن را جست‌وجو کنیم و دوباره بیابیم.

نمی‌خواهم وارد ادبیات و نظریه‌های خلاقیت شوم. قصه‌ای واقعی برایتان می‌نویسم؛ اتفاقی که خودم تجربه کرده‌ام. قضاوت با شماست. مگر نه اینکه بسیاری از نظریه‌ها، از دل همین تجربه‌ها و رفتارها زاده شده‌اند؟

در سال ۱۳۵۱، «مرکز تحقیقات کاربرد مواد رادیواکتیو» را در دانشگاه صنعتی شریف پایه‌گذاری کردیم. دو سال بعد این مرکز به سازمان تازه‌تأسیس «انرژی اتمی ایران» پیوست. از همان ابتدا روشن بود که سازمان برای فعالیت‌هایش به سوخت هسته‌ای، یعنی اورانیوم، نیاز دارد. بنابراین، برنامه اکتشاف معادن اورانیوم آغاز شد.

در آن سال‌ها، سوئد جزو معدود کشورهایی بود که فناوری این حوزه را داشت. برخلاف بسیاری از کشورهای غربی، فضای علمی و سیاسی سوئد بازتر بود؛ هم به دلیل تفکر سوسیالیستی شهروندان و هم حکومت سوسیال‌دموکرات و هم به خاطر دانشمندانی که برای علم مرزی قائل نبودند. به همین دلیل، امکان همکاری فراهم شد. بهمن ۱۳۵۳ برای آموزش در زمینه اکتشاف اورانیوم به مراکز تحقیقات هسته‌ای سوئد رفتم.

در همان روزهای نخست، استادی فرهیخته را دیدم که به‌زودی دریافتم نقش یک مربی واقعی را برایم ایفا می‌کند؛ نقشی که بعدها فهمیدم چه اندازه بر سرنوشت من اثر گذاشت. او زود فهمیده بود مشکل اصلی من، کمبود اعتمادبه‌نفس است. واقعیت هم همین بود. بسیاری از جوانان آن روزگار – و شاید هنوز – ناخواسته باور داشتند که «روپایی‌ها بیشتر از ما می‌فهمند!»

با وجود حافظه قوی و دانسته‌های فراوان، جرئت ابراز نظر نداشتم. استاد، دقیقاً از همین نقطه وارد شد. دانشگاه‌های سوئد به‌جای پر کردن ذهن دانشجو، تلاش می‌کردند قدرت اندیشیدن او را پرورش دهند. آنها به دنبال تربیت کسانی بودند که بتوانند از دانش و منابع موجود، راه‌حل بسازند.

او برای من برنامه‌ای درازمدت طراحی کرده‌بود، بی‌آنکه خبر داشته‌باشم. نخست مرا «دایره‌المعارف متحرک» نامید. هر کس پرسشی علمی داشت، به من ارجاع داده می‌شد. همین روش ساده، کم‌کم مرا به بازشناسی خود و بازیافت اعتمادبه‌نفسم رساند، اما استاد، مرحله بعدی را در آستین داشت.

از آنجا که تنها خارجی آنجا بودم و کسی را نداشتم، استاد حتی روزهای تعطیل هم کنارم بود. یک‌بار مرا به کلبه تابستانی‌اش در جنگلی انبوه، کنار دریاچه‌ای زیبا برد. در جنگل روی مقدار قابل‌توجهی از برگ و ذرات چوب خرد شده قدم می‌زدیم، درباره موضوعات علمی بحث می‌کردم و محاسبات عجیب‌وغریب انجام می‌دادم که از مواد کف جنگل‌های سوئد می‌توان معادل دو نیروگاه هسته‌ای انرژی استحصال کرد. قدرت ذهنم را به رخ استاد می‌کشیدم. استاد هم با صبر گوش می‌داد و تحسین می‌کرد.

کنار کلبه، چشمم به جعبه‌ای چوبی افتاد که روی تنه درخت کاجی نصب شده‌بود. بی‌درنگ و بدون اندیشیدن پرسیدم:

– این صندوق پستی چرا این‌قدر بالا گذاشته شده‌است؟ پستچی چطور نامه‌ها را می‌اندازد؟

استاد خونسرد گفت: «پستچی‌ها نردبانی روی باربند ماشین دارند، بالا می‌روند و نامه‌ها را می‌اندازند.»

با شوق پرسیدم: «شما چطور نامه‌ها را برمی‌دارید؟»

نردبانی نشان داد و گفت: «من هم یکی از اینها دارم.»

می‌خواستم پرسش دیگری در این زمینه مطرح کنم که ناگهان با لحنی متفاوت گفت: «می‌شود دهنت را ببندی و دیگر چیزی نپرسی؟»

باورم نمی‌شد! با آن همه محاسبه و اعتمادبه‌نفس تازه‌یافته، انتظار چنین برخوردی را نداشتم. نزدیک بود گریه کنم، اما او بلافاصله ادامه داد: «مدت‌ها منتظر چنین لحظه‌ای بودم. خوشحالم زودتر از آنچه فکر می‌کردم، رسید. این جعبه، صندوق پستی نیست. در زمستان‌های طولانی و پر برف، پرندگان گرسنه می‌مانند. ما در این جعبه‌ها برایشان دانه می‌ریزیم. تو چطور چنین چیزی را درک نکردی؟ آنقدر ذهن خود را از محفوظات پر کرده‌ای که درست دیدن و درست اندیشیدن را از دست داده‌ای.»

بعد آرام‌تر افزود: «وقتی تو را دایره‌المعارف متحرک نامیدم، برای تحسین نبود. می‌خواستم بفهمی آنچه در ذهن اندوخته‌ای، در هر کتابخانه‌ای یافت می‌شود. دانستن لازم است، اما کافی نیست. ذهن باید فراتر برود. باید بیاموزی درست شنیدن، درست دیدن و درست اندیشیدن یعنی چه.»

پرسیدم: «راه چاره چیست؟ چه باید بکنم؟»

گفت: «مدتی کار علمی را کنار بگذار و به کار حرفه‌ای بپرداز.» پیشنهادش را پذیرفتم.

مدتی کارگر جوشکاری بودم. آخر هفته‌ها را با استاد به گردش می‌رفتیم. از طبیعت می‌گفتیم، از مالیات و هوا و جامعه و هر از گاهی می‌پرسید فلان چیز را در فلان جا که از آن عبور کردیم، دیدی؟ صدای فلان پرنده را شنیدی؟

و کم‌کم، اتفاقی افتاد. درون من داشت چیزی عوض می‌شد...

آن دیدن‌ها، شنیدن‌ها و فکر کردن‌ها، ذهنم را زنده کرد. یاد گرفتم چگونه خلق کنم. موتور فکرم روشن شده‌بود. شهامت ابداع پیدا کرده‌بودم. حالا دیگر می‌توانستم به کشف و اختراع فکر کنم.

و این گونه بود که توانستم به یک اعتماد به نفس حقیقی دست پیدا کنم. چیزی که همیشه مدیون آن استاد سوئدی که معجزه مربیگری را می‌دانست، هستم. و آن صندوق پستی کذایی...!

***این داستان برگرفته از یک اتفاق واقعی است.**

خبر کوتاه

■ سخنگوی وزارت آموزش و پرورش از انعقاد قرارداد توزیع شیر در مدارس ابتدایی سطح کشور خبر داد و گفت: دانش‌آموزان از مهر بطری شیر خود را دریافت می‌کنند.

■ رئیس انجمن علمی شنوایی‌شناسی ایران گفت: آمار بین‌المللی نشان می‌دهد که کم‌شنوایی یکی از چهار بیماری اول جهان از نظر بار بیماری است و تأثیرات عمیقی بر فرد، خانواده و جامعه به‌جای می‌گذارد، در کشور ما نیز طبق اعلام وزارت بهداشت، حدود ۶/۷ درصد جمعیت در گروه‌های سنی مختلف با درجاتی از کم‌شنوایی مواجه هستند. این آمار شامل بیش از ۵/۵ میلیون ایرانی است که با درجاتی از کم‌شنوایی زندگی می‌کنند.

■ رئیس کل دادگستری تهران گفت: دادگستری استان تهران به‌عنوان مرجع اصلی رسیدگی به جنایات رژیم صهیونیستی در جنگ اخیر انتخاب‌شده و شعبه ویژه‌ای در مجتمع قضایی شهید بهشتی برای دعاوی حقوقی علیه رژیم صهیونیستی و دولت امریکا اختصاص یافته‌است.

■ مدیر کل بهداشت، درمان و بیمه‌های اجتماعی کمیته امداد گفت: در مراکز جامع سلامت شهری و روستایی، خدمات روانپزشکی به صورت رایگان توسط روانشناسان و روانپزشکان مراکز سراج به مددجویان ارائه می‌شود.